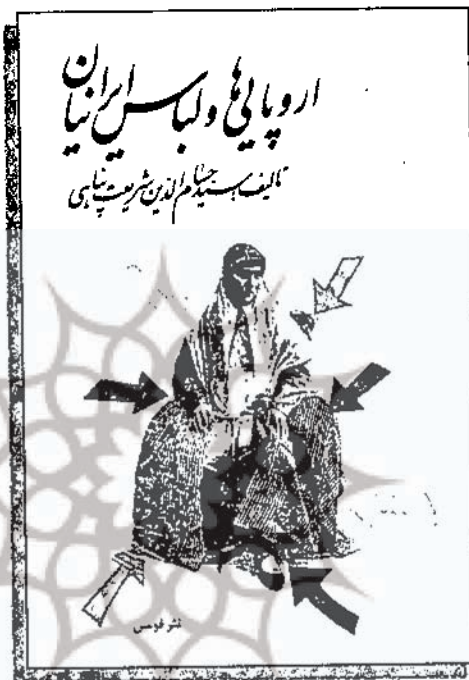


# اروپایی ها و لباس ایرانیان

● هایدن قره باغی

■ اروپایی ها و لباس ایرانیان  
■ تألیف سیدحسام‌الدین شریعت‌پناهی  
■ ناشر: نشر قومس



می‌توان اشاره داشت که پیش از پرداختن به آنها، ضروری به نظر می‌رسد که در جهت معرفی کتاب و مباحث گوناگون آن قدری سخن رانده شود.

این کتاب تألیف سیدحسام‌الدین شریعت‌پناهی برای نخستین بار در سال ۱۳۲۲، توسط نشر قومس و در ۳۵۰ صفحه منتشر شده است. طرح جلد کتاب به تصویری از یک زن ایرانی با کلیجه و چارقد مزین گشته که حکایت از چگونگی لباس زنان ایرانی در دوره قاجار دارد. مطالب و مباحث متنوع این اثر در شش بخش و هر بخش با فصول جداگانه‌ای تنظیم و تدوین شده است. همچنین گفتنی است که در ابتدا مقدمه و پیشگفتاری و در انتها کتابنامه‌ای به آن افزوده شده است. در صفحات انتهایی این کتاب نیز واژه‌نامه‌ای از لباس، شامل ۶۵ واژه تعریف شده را می‌توان یافت که با دقت نظر و وسواس ویژه‌ای تهیه و تنظیم شده است که بی‌تردید این مجموعه از واژگان لباس به همراه مفاهیم و توضیحات داده شده می‌تواند جهت مطالعات گوناگون علمی و هنری راهنمای مفیدی برای علاقمندان باشد. پس از توضیح مختصری از مشخصات ظاهری و

سایر ویژگی‌های کتاب به شرح و توصیف برخی یافته‌های نو و مضامین این کتاب می‌پردازیم که از جذابیت و ارزش بالایی برخوردار است. نگارنده در طول مطالعه کتب متعدد تاریخی به نکات جالبی دست یافته از جمله به خاطر موقعیت حساس جغرافیایی که ایران داشته، همیشه مورد تهاجم بوده است. به این معنی که در زمان پادشاهان صفوی نیز ارتش ایران نتوانست از لحاظ نظامی با مهاجمان خارجی برابری کند و از آن سو کشورهای اروپایی از لحاظ تکنولوژی نظامی، به

این اثر شاید از نخستین اقدامات مجدانه در زمینه تبیین و توصیف لباس ایرانیان در چندین دوره مهم تاریخی باشد که از این حیث تلاش مؤلف محترم درخور تقدیر است. توجه به موضوع پوشاک آن هم به شیوه بررسی تاریخی، فارغ از مضامین و محتوای کتاب حائز اهمیت و قدر مسلم قابل بهره‌گیری علاقمندان و پژوهشگران بسیاری است.

ناگفته پیداست که مطالعات و پژوهش‌هایی از این دست و در این زمینه تاکنون کمتر صورت گرفته و شاید این موضوع از اندک مباحثی است که دریچه خود را چندان بر مطالعات فرهنگی و هنری نگشوده است. از سوی دیگر اگر تأمل و تبیینی نیز در سال‌های اخیر صورت گرفته باشد، در بیشتر مواقع جسته و گریخته و به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و هنری مؤثر در این امر کمتر توجه و عنایت شده است.

بر همگان روشن است که سرزمین ایران به جهت قدمت و فرهنگ دیرپایش یکی از کشورهای بسیار جذاب جهت مطالعات فرهنگی و اجتماعی است. در کتاب حاضر نیز مؤلف با چنین دقت نظری، همواره در پی روشن نمودن گوشه‌ها و زوایای تاریک فرهنگی و تاریخی در خصوص موضوع مورد مطالعه بوده است که در این ارتباط بد نیست اشاره کوتاهی به مطالبی از مقدمه این کتاب شود: «غفلت از تاریخ، فراموشی خود است. هر قوم و جامعه‌ای برای اینکه به ماهیت و موقعیت کنونی خود پی ببرد، بهتر آن است که قبل از هر چیز به «پیشینه» خود نظر بیفکند. بیشتر تأکید نگارنده بر این است که دقت نظر در گذشته، البته متکی بر اصول علمی و اطلاعات صحیح، می‌تواند برای آینده یک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
رتال جامع علوم انسانی

جامعه روشنی بخش باشد. به دلیل همین ارزش است که در اکثر حوزه‌های علمی سرگذشت پژوهی و رویکرد به تاریخچه این قدر حائز اهمیت است و از زمان‌های دور تاریخ، تاریخ‌نویسی و مانند آن از مهمترین اجزاء و عناصر حیات جامعه بشری گردیده است.»

با این گفتار کوتاه می‌بایست اذعان داشت که تألیف چنین کتابی حرکتی ثمربخش و پربوک است و امید است با انتشار این گونه دست‌آوردهای پژوهشی زمینه‌های توجه بیشتر به این موضوع از ابعاد و زوایای دیگر بیش از پیش توسعه یابد. همچنین امید است که تداوم این حرکت پویانده و مطالعات بسط‌یافته در خصوص پوشاک توسط مؤلف محترم کتاب و در مراحل بعدی توسط سایر پژوهندگان پی‌گیری و در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

در نقد و بررسی این نوشتار به نکات بسیاری



◀ ضعف عمده کتاب بیشتر اکتفا به برداشت‌ها و اسناد و مدارک موجود در سفرنامه‌هاست تا توجه به نظرات سایر محققین معاصر اروپایی خصوصاً پژوهش‌های معتبری که در دهه‌های اخیر صورت گرفته است

مربوط به تغییر لباس در عصر صفویان نیز آمده است که دوره صفویه را باید عهد نگهداشت فرهنگ و حتی صدور فرهنگ و هنر ایرانی دانست. در همین عهد بود که تاورنیه، شاردن و رابرت شرلی و پادشاه سیام و... لباس ایرانی به تن می‌کردند، نه به جهت استهزاء و تمسخر، بلکه به خاطر آنکه آنان ایرانیان را مردمانی متمدن و پیشرفته قلمداد می‌کردند. مردمانی راسخ و ثروتمند، صاحب فضیلت و هنرهای گوناگون و سنت‌های زنده. مطالب این بخش به همراه طرح‌ها و عکس‌هایی از البسه زنان و مردان آن عهد ارائه شده است.

بخش دوم کتاب با عنوان «قاجاریه دوران خودباختگی» با مقدمه‌ای کوتاه به همراه ذکر اسامی شاهان قاجار و مدت حکومتشان آغاز گشته و به دوران حکومت اقامحمدخان، فتحعلی شاه و نهایتاً محمدشاه قاجار و صنعت نساجی و انتقال تدریجی آداب و رسوم اروپایی در آن دوران پرداخته شده است. دست آخر نیز چگونگی فروپاشی صنایع دستی خصوصاً نساجی ایران و تغییر لباس در این دوره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

آغاز اصلاحات گسترده، اشاراتی دقیق به دوران ۴۸ ساله حکومت ناصرالدین شاه است که عنوان و مطالب بخش سوم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. در بخش مذکور به تفصیل توضیح داده می‌شود که این دوران عصر پذیرش فرهنگ اروپایی بوده و لباس ایرانیان به پیروی از فرهنگ و لباس اروپایی‌ها تغییر عمده‌ای می‌کند. مؤلف در این بخش یادآور شده که میل به اصلاح و تغییر لباس و فرهنگ پوشاک مردم ایران در

پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته بودند، بنابراین همین ضعف مقدمه‌ای شد برای اینکه شاهان صفوی از اروپایی‌ها استقبال و دعوت کنند تا به ارتش ایران سر و سامانی بدهند تا بلکه از این طریق ارتش ایران بتواند بر قوای مهاجم خارجی پیروز گردد. همین امر موجب شد که تعداد اروپایی‌ها به طور روزافزونی زیاد شوند. اروپایی‌ها هم دریافته بودند که ایرانیان محتاج کمک‌ها و حمایت‌هایشان هستند، بنابراین در اثنای روابط با شاهان و دولتمردان ایرانی سعی کردند با توجه به نیاز صنایع رو به رشد نساجی و دیگر صنایع اروپا، امتیازات بازرگانی و گمرکی دریافت کنند. در زمان شاهان قاجار نیز اروپایی‌ها به قدری در تار و پود سیاست داخلی و خارجی ایران نفوذ کرده بودند که به آسانی تمهیدات فرهنگی خود را در میان ایرانیان طراحی و به اجرا گذاردند و بی‌شک یکی از همین تمهیدات فرهنگی تغییر لباس ایرانیان به شمار می‌رفت. پس از دوران قاجار نیز در عصر رضاشاه پهلوی، پوشیدن لباس روحانیت ممنوع و از زنان کشف حجاب به عمل آمد و نیز استفاده از کراوات و پاپیون و کلاه اروپایی به تمامی مردم ایران توصیه گردید.

اعتقاد نگارنده کتاب بر این است که بی‌شک شاهان برای جلب اروپایی‌ها عاملی در تغییر لباس ایرانیان به‌شمار رفته و با این رویکرد تاریخی بررسی تغییر لباس از عصر صفویان آغاز و به دوران حکومت رضاشاه منتهی شده است. همچنین به عنوان پیش‌زمینه گفتار و پیش از بررسی عصر صفویان مطالبی در خصوص نیاز اروپایی‌ها به بازار و ایرانیان به ارتش و تکنولوژی ارائه شده است. در مدخل فصل

عصر ناصرالدین شاه را نمی‌توانیم به خوبی درک کنیم مگر آنکه به زنجیره اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که خواه ناخواه لباس مردم را هم تحت‌الشعاع خود قرار می‌داد اشاره کنیم. در فصول دیگر این بخش نیز به تحولات اقتصادی که موجب رکود و ویرانی صنعت نساجی در آن عهد و بیکاری عمده زیادی از جمعیت ایران که در این رشته مهم از صنعت اشتغال داشتند اشاره شده است.

لباس بیرونی و اندرونی زنان ایرانی و نیز لباس طبقات و اقشار مختلف مردان شامل کلاه، کفش و جوراب، شلوار، شال کمر، بند و کمربند، اراخانق، قبا، کمرچین، کلیجه و جبه، عبا و عمامه و پوستین و پاپونچا به دقت و با تمام جزئیات قابل ذکر در فصل دیگری از کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش چهارم مطالبی از دوران حکومت مظفرالدین شاه و تقلید لباس به میان آمده و تأکید بر این واقعیت تاریخی شده که تب اروپایی پوشیدن، اروپایی فکر کردن و اروپایی زندگی کردن در تار و پود افکار و آرزوهای بسیاری از اقشار ایرانی رسوخ کرد و اولین نشانه شیوع این تب، تقلید ظاهری از اروپاییان بود. مشروطیت و سرعت انتشار تغییر لباس و تراکم اروپایی‌ها در ادارات دولتی از جمله مباحثی است که در صفحات بعدی کتاب به آنها پرداخته شده است.

رضاشاه، خشونت و زور و قانون دگرگونی ناگهانی لباس نیز عنوان آخرین بخش کتاب مورد بررسی است. در همین بخش آمده است که رضا شاه نقش بسیار عمده‌ای در تغییر لباس مردم ایران داشت. تا آنجا که از جنبه تغییر ناگهانی لباس، عهد حکومت رضاشاه،

سال وی است. همچنین وی در راستای این تلاش پی‌گیر از سفرنامه‌های متعددی چون سفرنامه کمپفر، کاژی، فیگوئرا، تاورنیه، شاردن، دروویل، پولاک، مادام کارلاسرنا، بلوش، ژنرال آیرون‌ساید و... بهره‌مند گشته که به لحاظ جمع‌آوری یافته‌ها و اسناد تاریخی و سیاسی درخور تحسین است. افزون بر این، مباحث مطروحه در کتاب از انسجام فصل‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر حکایت دارد، به این معنی که هر فصلی با سرآغازی شروع و زمینه‌مطلب را به دست می‌دهد. همراهی تصاویر، طرح‌ها و عکس‌های متعدد به عنوان شواهد تاریخی در کنار مباحث و نیز پانوش‌ها از محاسن و امتیازات این مجموعه است.

از سوی دیگر بر اساس عنوان کتاب که «اروپایی‌ها و لباس ایرانیان» می‌باشد این انتظار در خوانندگان ایجاد می‌شود که کتاب مباحثی گسترده و گوناگون در ارتباط با نقش اروپاییان در تغییر شکل لباس ایرانیان ارائه دهد که البته این خواسته تا حد زیادی تأمین شده اما متأسفانه بهره‌گیری از منابع خارجی به حدی که منبع آن نیز در انتهای کتاب به شکل ناقصی معرفی گشته تقلیل یافته است. بنابراین ضعف عمده کتاب اکتفا بیشتر به برداشت‌ها و اسناد و مدارک موجود در سفرنامه‌هاست تا توجه به نظرات سایر محققین معاصر اروپایی خصوصاً پژوهش‌های معتبری که در دهه‌های اخیر صورت گرفته است. علاوه بر مورد یاد شده در سرتاسر کتاب اشکالات و اشتباهات ویراستاری و نگارشی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد مسوولیت آن برعهده ناشر است، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود: فرضاً در صفحه ۱۱۶ سوادگران به جای سوادگران، در صفحه ۱۲۲ در اثبات و دوام به جای در ثبات و دوام، در صفحه ۱۳۱ طبع شخصی به جای طبع شخصی، در صفحه ۲۳۵ به جای اگوست کنت مؤسس علم اجتماع، وژوست کنت آمده است. همچنین در تنظیم بخش‌ها و فصول در صفحه ۱۰۱ بخش سوم کتاب تحت عنوان «آغاز اصلاحات گسترده» به اشتباه بخش چهارم تایپ و منظور شده است.

ضعف دیگری که در اینجا بایستی به آن اشاره‌ای داشت مربوط می‌شود به صفحات ۶۵ و ۶۶ کتاب حاضر که در این صفحات تصاویری از نادرشاه افشار و کریم‌خان زند آمده در حالی که به هیچ‌وجه مطلب و مبحثی از ایرانیان و لباس آن دوران عنوان نشده است. این درحالی است که در صفحه ۵۸ نگارنده به گونه‌ای گذرا یادآور می‌شود که به علت کمبود منابع مربوط به دوران حکومت زندیه و افشاریه مجبوریم به بررسی موضوع مورد مطالعه در زمان پادشاهان قاجار بپردازیم. با توضیحات داده شده درمی‌یابیم که در این بخش از کتاب به لحاظ مطالعه روند تاریخی نوعی خلأ و انقطاع پیش آمده است.

در پایان کلام از آن‌جایی که مؤلف محترم با تلاش و پی‌گیری خود موجب روشنگری گشته و این پدیده فرهنگی را از ابهامات بسیاری زوده‌قدردانی می‌شود و امید است تداوم تلاش ایشان را در دستاوردهای پژوهشی شایسته‌تری در آینده نزدیک شاهد باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

که مختص به ایران باشد بلکه کشورهای مصر، عراق، پاکستان، ترکیه و نظایر آن نیز از این هجوم فرهنگی در امان نمانده بودند. بنابراین نمی‌توان منشأ اصلی تحولات لباس مردان و زنان ایران را حرکت و تأمل آگاهانه رضاشاه قلمداد کرد، بلکه وی تنها مجری طرحی بود که اورپایی‌ها در طول چند سده زمینه‌های اجرای آن طرح را مهیا کرده بودند.

در اینجا پس از شرح نسبتاً کوتاهی از مباحث مختلف کتاب به بررسی کاستی‌ها و محاسن آن می‌پردازیم. ابتدا شایان توجه است تا اشاره‌ای داشته باشیم بر اینکه نگارنده کتاب جهت تدوین آن از منابع بیشمار تاریخی و اجتماعی یعنی بیش از هفتاد منبع فارسی بهره‌جسته و این اثر حاصل تلاش بیش از چهار

درواقع نقطه اوجی از تغییر به شمار می‌رود و در دورانه‌های تاریخی دیگر چنین تغییر تند و سریعی هرگز مشاهده نگشته است و به همین دلیل قبل از همه باید به کالبدشکافی شخصیت رضاشاه به عنوان پیشتاز تغییر لباس مردم ایران پرداخت.

کشف حجاب از زنان و نخستین اجتماع زنان بی‌حجاب آخرین مبحث مورد مطالعه این نوشتار است که همچون مباحث پیشین به همراه تصاویر درخور توجهی ارائه شده است. اسناد محرمانه در زمینه کشف حجاب و جشن‌های اختلاط نیز که بیانگر بخش مهمی از وقایع جامعه آن زمان است در صفحات انتهایی کتاب آمده است. در خاتمه نیز توضیح داده می‌شود که طبق شواهد تاریخی تغییر لباس در عصر رضاشاه امری نبود